ای ابابَطن ما تنها به خاطر سلام کردن - به بازار - می رویم و به هر کسی که برخورد می کنیم، سلام می گوییم.

از طُفَیل بن اُبَیّ بن کعب روایت است که وی نزد عبدالله بن عمر می آمد و صبح هنگام با او به بازار می رفت. - طفیل - می گوید: وقتی به بازار می رفتیم، عبدالله بر هیچ خرده فروش، خریدار و فروشنده، بینوا و هیچکسِ دیگری نمی گذشت، مگر اینکه به او سلام می کرد. طفیل می گوید: روزی نزد عبدالله بن عمر آمدم. وی از من خواست که با او به بازار بروم. به او گفتم: تو را با بازار چه کار؟! نه معامله ای می کنی؛ نه نرخِ کالاها را می پرسی و نه کالایی را به فروش می گذاری و نه در مجالسِ بازار می نشینی! می گویم: اینجا بنشینیم و با هم سخن بگوییم. پس عبدالله رضی الله عنه به طفیل که شکمِ بزرگی داشت گفت: ای ابابطن (=شکم گُنده)! ما تنها به خاطر سلام کردن - به بازار - می رویم و به هر کسی که برخورد می کنیم، سلام می گوییم.

[صحیح است] [به روایت مالک]

طفیل بن ابی بن کعب همیشه نزد ابن عمر رضی الله عنه می آمد و به همراه او به بازار می رفت. طفیل می گوید: چون به بازار وارد می شدیم، عبدالله بن عمر از هیچ فروشنده ی کالاهای نامرغوب (بیاع السَقَّاطِ) و فروشنده ی کالاهای نفیس و گران قیمت (صاحب بَیْعَةٍ) و هیچ فقیر و شخصی نمی گذشت مگر اینکه به او سلام می کرد. به عبارت دیگر با هرکس که ملاقات می کرد، از کوچک و بزرگ تا فقیر و ثروتمند، سلام می کرد. طفیل می گوید: روزی جهت کاری نزد عبدالله بن عمر آمدم که از من خواست همراه وی به بازار بروم؛ پس به او گفتم: در بازار چه کار داری؟ نه چیزی می خری و نه چیزی می فروشی؛ بلکه از کالاها نمی پرسی و چیزی هم برای فروش عرضه نمی کنی و هیچیک از کارهایی را انجام نمی دهی که در بازار انجام می شود؛ در این صورت رفتن به بازار چه فایده ای دارد؟ این بود که ابن عمر رضی الله عنه به وی گفت: «ای ابا بطن». طفیل شکم بزرگی داشت و شکمش با سینه اش در یک راستا نبود و شکمش جلوتر بود. [بطن به معنای شکم است]. ما تنها به خاطر سلام کردن - به بازار - می رویم و به هر کسی که برخورد می کنیم، سلام می گوییم. یعنی هدف ما از رفتن به بازار، خرید و فروش یا نشستن در بازار نیست، بلکه به قصد کسب نیکی با سلام کردن به دیگران در بازار حضور پیدا می کنیم. و این کار نشات گرفته از اشتیاق ابن عمر رضی الله عنه در عمل نمودن به سنتِ ترویج سلام در بین مردم بود؛ چون می دانست غنیمتی گواراست؛ کلمات اندکی که هرگز انسان را به تکلف نمی اندازند و خیر زیادی را در بردارند.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/3585